

## انترناسیونال

۱۵

دوره دوم

جمعه، ۲۱ فروردین ۱۳۸۳

۹ آوریل ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

صفحه ۳

## در برنامه های بزرگداشت منصور حکمت شرکت کنید

## تعیین اجتماعی بخشیدن به چپ

صفحه ۴

مصاحبه رادیو انترناسیونال با حمید تقوایی (بخش دوم)

رهبران کمونیست  
در میان مردممصاحبه با عبدالله دارابی، مجید حسینی  
یدی کریمی

تحولات سیاسی که اشاره کردم و به یمن کردانی و درایت سیاسی رهبران حزب کمونیست کارگری، پروژه حضور رهبران حزب در داخل شهر های کردستان از این پس تنها به شهر هایی چون میروان و سنندج خلاصه نخواهد شد، بلکه دامنه و ابعاد آن به سرعت میتواند به اکثر شهر های دیگر گسترش پیدا کند. هدف اجرای پروژه های ما در داخل اساسا تقویت نمودن و نیرومند تر کردن مبارزات کمپ آزادیخواهی و برابری طلبی است و بهمین خاطر از همکاری و هوشیاری همه جانبه مردم برخوردار میباشد. با توجه به همه اینها هم اکنون حزب امید بخش وسیعی از جامعه تبدیل شده و موقعیت و سرنوشت حزب و مردم را نمیتوان از هم جدا کرد، چون خواست و آرزوی هر دوی آنها به هم مربوط هستند و

صفحه ۲

شکست و بی آبرویی رژیم، تنها یقه و دامن سران آنرا نگرفته بلکه کل کمپ ارتجاع ملی-اسلامی و جنبش آنها را در سطح ایران و منطقه ضعیف و بی آبرو تر کرده است. در مقابل و در بطن چنین اوضاعی، مردم و نیرو هایی که به آزادی و خوشبختی مردم می اندیشند و عمل میکنند، تقویت و نیرومند تر شده و میروند تا با سازمان و تدارک لازم کل اقتدار رژیم اسلامی را یکبار برای همیشه بگور نهند. در کنار اینها، وجود خود حزب بمثابة يك حزب روشن بین، با برنامه و درایت سیاسی اهمیت جدی دارد. این حزبی است با تجربه و کارآمد و دارای کادر های رهبری محبوب و کار آزموده که حرف و عمل شان در مسیر آزادی و خوشبختی مردم میباشد، این حزب اکنون در شرایط موجود در ایران و کردستان، بجلو صحنه سیاست پرتاب شده و راه پیشروی برویش باز شده است. به یمن این تغییر و

مدارس و دانشگاه ها به میدان اصلی جدال قدرت بین مردم و نیروی ارتجاع اسلامی ایران تبدیل شده است. حتی در موارد زیادی شهرک نشینان و روستائیان حومه شهرها، به تجمعات اعتراضی شهر های بزرگتر می پیوندند. اتحاد و همکاری و همبستگی بین مردم بیشتر شده، هنگام اعتراض و تظاهراتهای خیابانی، در خانه های مردم بسوی تظاهر کنندگان باز میشود و دامنه و ابعاد جمعی و عمومی این اعتراضات بسرعت همه گیر میشود. ابعاد نفرت و انزجار مردم و پیکارهای روزمره شان علیه رژیم، هیبت و قلدرمنشی این نظام پوسیده را در هم شکسته و هیچ آبرو برای آنان باقی نگذاشته است. مردم بویژه نسل جوان آن تصمیم خود را گرفته و به هیچ چیز غیر از سرنوشتی رژیم و دخالت مستقیم در سرنوشت خودشان راضی نمیشوند. این اوضاع و مابه ازای اجتماعی این

انترناسیونال: ممکن شدن حضور مجدد شما در شهر میروان ناشی از کدام عوامل مهم مربوط به اوضاع سیاسی و موقعیت حزب در کردستان است، مشاهدات خود شما از نزدیک در این باره چیست؟

**عبدالله دارابی:** شرایط سیاسی در ایران به نفع مردم بسیار تغییر کرده و این براحتی برای هر ناظری قابل تشخیص است. بی شک ایجاد این شرایط، هم بر موقعیت ما و مردم از یکسو و هم بر موقعیت رژیم اسلامی از سوی دیگر، تاثیرات عمیق گذاشته و تناسب قوای جدید تری را در جامعه بوجود آورده است. موقعیت جمهوری اسلامی ایران آنقدر شکننده شده که با يك سال و حتی شش ماه قبل قابل مقایسه نیست. تناسب قوا تغییر کرده و در بطن آن دوره تعرض مردم و دوره عقب نشینی رژیم آغاز شده و محل کار و زیست مردم بویژه مراکز اصلی شهرها، کارخانه ها،

ستون اول حمید تقوایی

جنگ نیروهای  
سیاه در عراق

با تشدید درگیریهای نظامی بین نیروهای آمریکا و نیروهای اسلامی، تراژدی سیاسی عراق به اوج بیسابقه ای رسیده است. جنگ سیاهی که آغاز شده و سریعاً رو به گسترش است، نتیجه مستقیم و کاملاً قابل انتظار و پیش بینی بن بست آمریکا در باتلاقی است که خود خلق کرده است. از همان دوره تدارک نظامی حمله آمریکا به عراق، که در آن زمان به بهانه مقابله با تروریسم اسلامی و سلاحهای کشتار جمعی و پدیده کردن دموکراسی در عراق و غیره صورت میگرفت، روشن بود که نتیجه این لشکرکشی چیزی بجز از هم گسیختن شیرازه مدنیت در جامعه عراق و افسار گسیختگی اسلام سیاسی و سایر نیروهای سیاه در صحنه سیاسی عراق خواهد بود. این نوع عواقب اجتناب ناپذیر میلیتاریسم آمریکا و غرب، از مدتها قبل، از مقطع "طلوع خونی نظم نوین جهانی" برای ما روشن بود. منصور حکمت و حزب ما این حقیقت را بارها از همان مقطع جنگ اول خلیج و سپس بویژه پس از ۱۱ سپتامبر اعلام کرد و پرچم دنیای متمدن را در برابر جنگ تروریستها برافراشت. دنیای متمدنی که در ۱۵ فوریه سال گذشته در بیش از ششصد شهر دنیا به خیابانها آمد تا وجود مستقل خود را در اعتراض به هجوم غرب به عراق اعلام کند.

امروز آنچه ما و میلیونها مردم شریف در پنج قاره جهان پیش بینی میکردیم و به آن معترض بودیم اتفاق افتاده و نتایج شومش را ببار آورده است. مردم عراق قربانیان مستقیم این وضعیتند. جنگی که بین اسلاميون و نیروهای آمریکائی در

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ رهبران کمونیست در میان مردم

چون پیکر واحد همدیگر را از هر نظر ترمیم و تقویت میکنند. با توجه به عوامل و فاکتور های فوق، اکنون موقعیت حزب برای پیشروی در همه عرصه ها و انجام کار های بزرگ و کم نظیرش در داخل ایران، اساسا فرق کرده و قادر است کل مبارزات مردم را بر مبنای خواست های واقعی شان هدایت و رهبری کند و مهر خود را بر آن بکوبد.

**انترناسیونال:** عکس العمل مردم در مقابل حضور شما و همچنین خواست ها و انتظارات آنها از حزب چه بودند و شما چه پاسخی به آنها دادید؟

**مجید حسینی:** مردم در میوان از حضور ما در شهر بسیار خوشحال شدند و با استقبال گرم و محبت های بی دریغ و صمیمانه و همکاری وسیع با ما در تمام زمینه ها این را نشان دادند. همینجا از مردم میوان و تمام آن عزیزانی که در انجام موفقیت آمیز این پروژه نقش ایفا کردند و شجاعانه ما را یاری دادند قدردانی می کنم و رویشان را به گرمی میبوسم.

به محض حضور ما در محله تازه آباد زنان و مردان از خانه هایشان بیرون آمدند، دور ما را گرفتند، خوش آمد گویی کردند و به دیگر همسایگان، دوستان، و آشنایان خود در میوان و در دیگر شهر های ایران، خبر حضور حزب کمونیست کارگری ایران در شهر را دادند. هنگام عبور ما از این محله هر دم بر تعداد مردمی که ما را همراهی می کردند افزوده می شد و کم کم ابتکارات توده ای برای حفاظت از ما و کسب خبر از عکس العمل نیروهای رژیم و راهنمایی های لازم از چگونگی کوچه و خیابانها و موقعیت محله ای که واحدهای حزب در آن بودند بکار افتاد.

مردم از حزب کمونیست کارگری ایران می خواستند که در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و گسترش و متحد کردن این مبارزات از طریق جاری کردن خواست و شعارهای رادیکال و تامین رهبری سیاسی حزب بر آنها بیشتر از این بکوشد. به ضرورت تماس حضوری با رهبران کمونیست در کردستان و اهمیت تاثیرات سیاسی اینگونه پروژه ها بر روحیه مردم و بر بالاتر رفتن امید مردم به حزب کمونیست کارگری ایران و مستحکمتر کردن

مردم در کردستان تجربه همکاری احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی و بهره بردن جمهوری اسلامی از احزاب ناسیونالیست را برای رود رویی با اعتراضات خود دارند. حزب دموکرات کردستان ایران سابقه بسیار غنی از همکاری با جمهوری اسلامی دارد. علاوه بر این، سالهای زیادی جمهوری اسلامی پ ک ک را در کردستان ایران آزاد گذاشته بود و تمام امکانات و تسهیلات لازم را برایشان فراهم می کرد. با اوج گرفتن اعتراضات توده ای و "خطر" انقلاب مردم، انجام این نقش به حزب دموکرات کردستان ایران و دیگر جریانات ناسیونالیسم کرد منتقل شده است. این مسئله هوشیاری کمونیستها و فعالین عرصه های مختلف اعتراضات توده ای را برای حثی کردن هر بند و بست و توطئه ای از طرف احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد علیه مردم را می طلبد.

در سخنرانیها و در بحث و گفتگو با مردم از اهمیت دخالت آگاهانه انسانهای آزادیخواه و کمونیست در اعتراضات مردم در شهرها صحبت کردیم. تاکید کردیم که روزهای قبل از سرنگونی رژیم برای شکل دادن به زندگی آتی از طریق هدایت و دخالت فعالانه در هر اعتراض کوچک و بزرگی از اهمیت ویژه ای بر خوردار است. این اوضاع و وظایف تاریخی و بزرگی را بر دوش همه فعالین انقلابی می گذارد و سستی و تاملی این دوران را نمی شود به راحتی جبران کرد. باید با همه توان تلاش کرد شعارهای آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی، برابری کامل زن و مرد، حکم اعدام لغو باید گردد، زنده باد حزب کمونیست کارگری و دست مذهب از زندگی مردم کوتاه و غیره را به پرچم هر تجمع مبارزاتی تبدیل کرد. یاد آوری کردیم در دوران قیام ۵۷ میوان شهر کوچکی بود، اما بدلیل وجود جمع وسیعی از کمونیستها، مبارزات بزرگ و تاریخی در آن انجام گرفت که توجه کل جامعه ایران و رسانه های بین الملل را به خود جلب کرد. درهم شکستن انتخابات رژیم و پایین آوردن مجسمه حسین فهمیده در شهر، یاد آور اتحادیه میوان، کوچ تاریخی مردم شهر، برچیدن مقر سپاه پاسداران در ۲۳ تیر ۵۸، حاکمیت و اداره شهر توسط ما در آن دوران را

به خاطر می آورد.

**انترناسیونال:** اساس و جوهر سخنرانیهای شما و مجید حسینی خطاب به مردم روی چه نکاتی تاکید داشت، تاثیر آن روی مردم چگونه بود؟

**عبدالله دارابی:** سخنرانی های ما اساسا بر نحوه سازماندهی و تقویت و متحد کردن مردم برای سرنگون کردن رژیم اسلامی و همزمان تدارک و آماده سازی خود برای به دست گرفتن قدرت پس از سقوط رژیم تاکید داشت. در همین رابطه گفتیم نسل های قبل از شما در همین شهر (میوان) برای سرنگون کردن رژیم سلطنت و مقابله با رژیم اسلامی نقش فعال و جدی را ایفا کرده و در همین راستا کارهای بزرگ و تاریخی را به ثبت رسانده اند. شما نیز باید با تکیه بر آگاهی و تیز بینی امروزتان، از تجارب مثبت آن دوره استفاده کنید و فضای شهر را کاملا به یک فضای چپ و رادیکال تبدیل نمایید. سپس به شیوه دخالتگری مردم در مبارزات روزمره خود علیه جمهوری اسلامی پرداختیم و اضافه کردیم که از این پس باید خود را از روش "تیکه کن و در دجله انداز" دور نگاهدارید و اجازه ندهید جریانات ناسیونالیست و قوم پرست از دخالتگری فعال و انقلابی شما علیه جمهوری اسلامی سو استفاده کنند و آنرا به نفع خود قلمداد نمایند. چون این جریانات طی ۲۵ سال اخیر تحت نام خودمختاری و فدرالیسم مخفیانه و به دور از چشم مردم با رژیم در حال مزاکره و گفتگو بوده و همواره مردم را به پای صندوق های رای گیری ارگان های سرکوبگر رژیم چون پارلمان و شوراهای جمهوری اسلامی دعوت کرده اند. باید هوشیار بود و ضمن خنثی کردن تمام ترفند های رژیم و فریبکاری های احزاب قومی، باید منبهد با دخالتگری فعال در تمام اعتراضات و تظاهراتهای خیابانی و سر دادن شعار های روشن و مشخص خودتان چون آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی و خارج کردن محلات از دست نیرو های رژیم و ... مهر خود را بر مبارزات انقلابی و بر حق تان بکوبید و به این ترتیب از تکرار سناریو سپاه بعد از سقوط رژیم سلطنت جلوگیری کنید و کاری کنید این بار بعد از سرنگونی رژیم اسلامی مستقیما خودتان بر سرنوشت خویش حاکم شوید.

**انترناسیونال:** مباحث و مشغله

مردم چه تصویری از درجه نفوذ و موقعیت احزاب ناسیونالیست در کردستان بدست میدهد؟

**مجید حسینی:** کمونیسم و ناسیونالیسم دو گرایش اصلی جامعه در کردستان هستند. احزاب ناسیونالیستی شیوه و سنتهای خاص خود را برای تاثیر گذاری بر افکار و ذهنیت مردم دارند و در کردستان فعالند. آن موقعیت و بازار گرمی که ناسیونالیسم کرد در بحبوحه حمله آمریکا به عراق داشت و بعد با هیاهویی که حول ایجاد فدرالیسم ادامه اش دادند، دارد با سرعت زیادی فروکش میکنند. مردم از تکرار سناریوی سپاهی که در ۱۳ سال اخیر بر سر مردم در کردستان عراق رفت، نگرانند. وجود شرایط انقلابی در ایران و کردستان و رشد رادیکالیسم در جامعه در این دوران مشکلی است برای جریانات ناسیونالیست. رشد شهر نشینی در کردستان و بالاتر رفتن سطح توقع مردم از زندگی، سطح بالای سواد و فرهنگ مردم، با سنت ناسیونالیستی که بر عقب ماندگی فرهنگی و مذهبی و قومی سرمایه گذاری میکند جور در نمی آید. پروژه های فرهنگی رژیم در طی دو دهه اخیر در کردستان و فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس، محصول این دوره از تاریخ ناسیونالیسم است که اثرات مضر خود را بر افکار مردم گذاشته اند. در مقایسه با دوران قیام ۵۷، هم ناسیونالیسم کرد و هم کمونیسم در کردستان رشد کرده و تقابل این دو گرایش و موقعیت هر یک، وسعت و شدت گرفتن مبارزه طبقاتی در جامعه را نشان میدهد.

انعکاس این وضعیت آرایش سیاسی معینی را به احزاب موجود در کردستان داده است. حزب دموکرات به عنوان حزبی ناسیونالیستی، توان جلب و نمایندگی کل ناسیونالیسم کرد در کردستان را ندارد. این حزب در جذب روشنفکر ناسیونالیست کرد امروزی در سیستم عقب افتاده حزبی و سیاسی خود مشکل دارد. مردم در کردستان تجربه عقب راندن حزب دموکرات را در یک ابعاد توده ای و وسیع را تحت رهبری کمونیستها در دوران قیام و سالهای ابتدای سر کار آمدن جمهوری اسلامی را دارند.

**انترناسیونال:** با توجه به اینکه اینبار شما مسئول نیروی حفاظتی پروژه حضور رهبران کمونیست در

## در برنامه های بزرگداشت منصور حکمت شرکت کنید

در هفته های آینده مجموعه برنامه هائی در بزرگداشت منصور حکمت برگزار میشود.

به مناسبت پنجاه و سومین سالروز تولد منصور حکمت مجموعه ای از مراسمها و سخنرانی ها از ۵ تا ۱۲ ژوئن در لندن و چند کشور دیگر از طرف احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق برگزار میشود. مراسم لندن در روز شنبه ۵ ژوئن خواهد بود. انجمن مارکس - حکمت نیز روز ۶ ژوئن در لندن مراسمی برگزار خواهد کرد. تاریخ برنامه های دیگر در سایر کشورها در روزهای آینده به اطلاع خواهد رسید.

همینطور مراسم دیگری به مناسبت سالروز درگذشت منصور حکمت روز شنبه ۱۰ ژوئن از طرف آذر ماجدی فراخوان داده شده است.

همه دوستان و علاقمندان را به شرکت در این برنامه ها، که جزئیات آن متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید، فرامیخوانیم. شرکت در همه این مراسم ها برای عموم آزاد است.

در داخل ایران نیز همه دوستان را منصور حکمت را فرامیخوانیم در اشکالی که خود ممکن و مناسب میدانند به بزرگداشت این انسان بزرگ بپردازند و یاد او را گرامی دارند.

**کمیته برگزار کننده**

۸ آوریل ۲۰۰۴



میان مردم بودید و با توجه به اینکه جمهوری اسلامی جلوتر از حضور حزب در شهر مطلع بود، چگونه امکان موفقیت آمیز این پروژه ممکن شد و حکومت اسلامی ناتوان از عکس العمل ماند؟

**پلیدی گریمی:** ابتدا لازم است به وضعیت نیروهای رژیم تا قبل از حضور ما در شهر اشاره ای بکنم. نیروهای جمهوری اسلامی از چند روز قبل بخاطر جوش و خروش مردم و شایعه آمدن رهبران حزب کمونیست کارگری ایران به داخل شهر مریوان در سال نو، حکومت نظامی برقرار کرده بود و از شهرهای دیگر نیروی ویژه و کمکی برای کنترل اعتراضات مردم در شهرهای چهارشنبه سوری و سال نو به شهر آورده بود. جمهوری اسلامی مخصوصاً برای شب سال نو به غیر از حکومت نظامی در شهر به تمام نیروهایش در پایگاهها و مقرهای داخل شهر و اطراف آن آماده باش کامل اعلام کرده و در تمام راههای ورودی شهر کمین گذاری نموده بود.

ما علیرغم کل این وضعیت و آمادگی کامل نیروهای رژیم در ساعت هفت و نیم شب به داخل شهر وارد شدیم و دو محله شهر به نام های تازه آباد و داریسیران که در فاصله ۱۵۰ متری مقر و پایگاه نیروهای رژیم بود را به مدت بیش از یک ساعت به کنترل خود در آوردیم و در

از صفحه ۱

ستون اول

عراق در گرفته جنگ مردم نیست. این برخلاف آنچه مطبوعات میلیتانت جهان عرب ادعا میکنند نه جنگ مقاومت مردم در برابر اشغال است و نه آنطور که مقتدی صدر و دار و دسته اش اعلام کرده اند، فلسطین و انتفاضه دیگری است. آنچه در عراق امروز جریان دارد بیش از هر چیزی به تجربه یوگسلاوی شبیه است. نیروهای شیعه طرفدار صدر، که نیروی اصلی اسلاميون ضد آمریکائی را تشکیل میدهند، قصد دارند در مقابل آمریکا نقشی شبیه طالبان در برابر شوری بازی کنند. و جمهوری اسلامی در این میان همان نقشی را بعهده گرفته است که عربستان سعودی در شکل دادن به طالبان ایفا کرد. میلیونها دلار کمک مستقیم مالی و اعزام آخوند و نیروهای نظامی و سازماندهی و آموزش نیروهای شبه نظامی نظیر جیش المهدی از جمله تلاشهای جمهوری اسلامی در شکل دادن به اسلام ضد آمریکائی در عراق است. این اسلام سیاسی دست ساز جمهوری اسلامی بر زمینه سیاسی که بعد از سقوط صدام در عراق

ایجاد شده امکان رشد و نفوذ یافته است. حضور نظامی آمریکا يك جنبه از واقعیت سیاسی عراق پس از صدام است اما جنبه مهمتر و تا آنجا که به زندگی توده مردم، و نه احساسات ملی-اسلامی ناسیونالیسم عرب، مربوط میشود بیشتر مورد مخالفت و اعتراض است، ناتوانی آمریکا و شورای حکومتی دست سازش در برآورده کردن حداقلی از ملزومات يك جامعه مدنی در عراق است. یکسال است که هرج و مرج و ناامنی و فقر و بیکاری و ناروشنی آینده و استیصال به خصوصیات زندگی روزمره توده مردم عراق تبدیل شده و هر روز این شرایط وخیم تر میشود. مردم بدرست آمریکا را مسئول کل این وضعیت میدانند و به غلط در اسلام و ناسیونالیسم ضد آمریکائی راهی برای خلاصی میجویند. این زمینه سیاسی و اجتماعی شعله ور شدن جنگ مقاومت اسلامی علیه نیروهای آمریکائی است. و درست همین زمینه اجتماعی، یعنی از هم پاشیدگی جامعه مدنی، است که

عراق را در آستانه تبدیل شدن به یوگسلاوی خاورمیانه قرار داده است.

راه برون رفت از این وضعیت برافراشتن پرچم خواستهای پایه ای و بر حق و انسانی توده مردم عراق برای برخورداری از يك زندگی انسانی و متمدن است. باید اعتراض و مبارزه مردم را برای دستیابی به امنیت و رفاه و آزادی مستقیماً در برابر آمریکا بعنوان مسئول مستقیم این وضعیت و در برابر اسلام سیاسی و بعثیسم و ناسیونالیسم عرب بعنوان دیگر نیروهای سیاه دامن زننده به این وضعیت، سازمان داد. این جنگ مردم، جنگ کارگران و جنگ دنیای متمدن در عراق است. در این مبارزه تنها نیروئی که مردم را در برابر جبهه سیاه آمریکا و مذهب و ناسیونالیسم محلی متحد و اپوزیسیونش نمایندگی میکند حزب کمونیست کارگری عراق است. بدرجه ای که بر قدرت و نفوذ اجتماعی این حزب افزوده شود، راه رهایی واقعی کارگران و زنان و توده مردم عراق از جهنمی که میلیتاریسم غربی و اسلام سیاسی همزادش در عراق بوجود آورده اند، هموار تر خواهد شد. \*

از صفحه ۴

**تعیین اجتماعی بخشیدن به چپ**

تمام سطوح جامعه، با تمام امکاناتی که بخصوص امروز کامپیوتر و اینترنت در اختیار ما میگذارد، باید کارگران و بخشهای دیگر مختلف جامعه از مبارزات همديگر حمایت کنند. علنی، با امضا، با پیام، با صدور قطعنامه با صدور طومار و غیره. حتی در سطح بین المللی کارگران میتوانند از مبارزات رادیکال و حق طلبانه در جاهای دیگر دنیا حمایت کنند و حمایت بخواهند، میتوانند برای سازمان و نهادهای جهانی کارگری نامه بنویسند و خواستار حمایت بشوند، میتوانند برای نهادهای بین المللی مترقی و انساندوست نامه بنویسند و خواستار حمایت بشوند. میخواهم بگویم این عرض اندام فقط در چهارچوب جامعه ایران محدود نمی ماند و میتواند حتی جهانی هم

فعالین حزب را میبوسد که پرچم این جنبش را بلند کنند و بکوشند که همه جا مبارزات را به جلو سوق دهند، در جهت متحد کردنشان، همبسته و همراه کردنشان، و در جهت چهره و هویت علنی دادن به آنها. ما این را در دستور کار حزب گذاشته ایم و من امیدوارم که بسرعت بتوانیم کاملاً يك چهره متفاوتی به جنبش کارگری و به جنبش انقلابی علی العموم در جامعه ایران بدهیم.

**سیاوش دانشور:** حمید تقوایی در بحث امشب لازم بود که پیرامون تشکل هم با شما صحبت کنیم متأسفانه فرصت نیست در برنامه دیگری در این زمینه بحث را دنبال خواهیم کرد. بسیار ممنون هستم که مهمان برنامه امشب رادیو انترناسیونال بودید. \*

**مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## تعیین اجتماعی بخشیدن به چپ

مصاحبه رادیو انترناسیونال با حمید تقوایی

بخش دوم



**سیاوش دانشور:** در بخش اول صحبت‌مان شما اشاره کردید که مساله اختناق بی چهره بودن جنبش امروز را در ایران توضیح ندهد و باید چهره علنی داشته باشد در سطح همان توازن قوا و با همان مطالبات که هست اما بشکل علنی و اجتماعی. اگر اختناق مزاحم نیست چه سنت‌های سیاسی و اجتماعی دیگری در درون خود همین جنبش‌ها تا حال مانع این کار شده است؟

**حمید تقوایی:** تا آنجایی که به جنبش چپ و گرایش چپ در خود جنبش کارگری برمیگردد، مخفی کاری جزئی از هویت و سبک کار همیشگی اش شده است. این استنتاج هست، این تلقی هست که مبارزه کمونیستی در جامعه، مبارزه از موضع چپ، باید مخفی باشد و گویا هم‌اکنون این مبارزه مخفی بودن است. همانطور که گفتیم این نتیجه گیری به هیچوجه واقعیت را منعکس نمیکند و اینطور نبوده است. در تاریخ جنبش چپ هیچوقت اینطور نبوده است. در ایران مشخص ما این مساله را داریم بخاطر اینکه یک اختناق چندین دهساله وجود داشته که بخصوص هدف و آماج حمله اش جنبش چپ بوده و کمونیستها بوده اند. این باعث شده است که این تصور و این تلقی بوجود بیاید که مخفی کاری و نداشتن چهره اجتماعی جزء تعریف مبارزه ماست. اینرا نه تنها ما در سبک کار گروهها و احزاب بلکه در شیوه کار فعالین چپ جنبش کارگری و جنبشهای دیگر در جامعه می بینیم که بسنده میکنند بر همان محافلی که دور و بر خودشان دارند و روابط طبیعی که دارند. اینها را حفظ میکنند و از آن فراتر نمیخواهند بروند و اصلا در برنامه کارشان این چشم انداز را ندارند. می‌خواهم بگویم که مساله فقط اختناق نیست مساله این هست که خود این فعالین چنین افق و چشم اندازی از کارشان ندارند. برای اینکه نکته کاملا روشن شود من شما را توجه میدهم به تجربه انقلاب ۵۷. کسانی که همسن من و شاید شما هستند امروز این را کاملا بیاد دارند که در دوره ای، دوره بعد از قیام بهمین تا ۳۰ خرداد ۶۰ یعنی بیش از دو

سال آن جامعه عملا يك جامعه بازی بود. جامعه ای بود که هنوز جمهوری اسلامی قدرتش را پیدا نکرده بود که سرکوب بکند و انقلاب در سطوح مختلف ادامه داشت. جامعه متعرض بود، رادیکال بود و در آن دوره جنبش کارگری تجارب خیلی خوبی داشت مثل تجربه تشکیل شوراهاى متحده گیلان، و شوراهاى منطقه ای در تهران. در خیلی جاها کارگران تولید را در دست گرفتند و کارخانه ها را اداره کردند و غیرو. ولی در تمام این مدت حتی يك اسم و یا تشکیلی که بتواند باقی بماند عروج نکرد و این جنبش نتوانست يك چهره معین به خودش بگیرد. شما اگر حتی از کسانی مثل من و یا مثل خیلی از کسان دیگری که آنروزها را بیاد دارند و فعال آن انقلاب بوده اند پرسید نمیتوانند حتی يك اسم از جنبش کارگری و کلا جنبش رادیکال در آن دوره بگویند. در آن دوره که اختناق تقریبا صفر بود و عملا جامعه ایران یکی از آزادترین جوامع موجود بود حتی در آن دوره هم ما شاهد عروج اجتماعی و علنی جنبش نبودیم. این بنظر بخوبی نشان میدهد که چطور سنتها و روشها و افقهای فعالین است که مانع عرض اندام علنی و اجتماعی آنها میشود چرا که در آن دو ساله ای که این آزادیها کاملا وجود داشت، حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران در آن دوره وجود نداشت که علیه این سنتها بلند شود و آنها را کنار بزند و در نتیجه همچنان این جنبش کارگری و جنبش رادیکال سوسیالیستی کلا در کل جامعه بی چهره و بی هویت ماند. امروز هم داستان بر سر همین است. در دوره ای، حدود پانزده سال قبل منصور حکمت در مقاله ای که در مورد جنبش کارگری نوشت گفت: جنبش کارگری متفرق نیست، جنبش کارگری تشکلهای خودش را دارد، محافل کارگری و آژیتاتورها را دارد، رهبران عملی خودش را دارد. این در مقابل و نقد آن نظری بود که فکر میکرد جنبش کارگری متفرق است به این معنی که به آحاد و افراد و به آنها تقسیم میشود. در نقد این نظر، منصور حکمت گفت چنین نیست، محافل کارگری را داریم و

آژیتاتورها و رهبران عملی را داریم. امروز هم هسته های کارگری را داریم و در راس این هسته ها فعالین جنبش کارگری، آژیتاتورها و رهبران عملی هستند. منتها مساله این است که این رهبران عملی، این محافل و این آژیتاتورها از این سطح فراتر نمیروند، در همین سطح محدود و محفلی می مانند و تشکل وسیعتر، حضور اجتماعی وسیعتر، و حتی فراتر رفتن از کارخانه و رشته تولیدی خودشان و برخورد به مسائل عمومی تر و اجتماعی تر، اینها را در دستور کار خودشان ندارند. حزب ما الان میخواهد مبتکر و پیشرو يك جنبش و حرکتی برای تغییر این وضعیت باشد. میخواهد سنتهای دست و پاگیری که در جنبش کارگری وجود دارد را نقد کند و به آن چهره و تعیین اجتماعی بدهد.

**سیاوش دانشور:** این بحث شما ممکن است این استنباط را بدست بدهد، که رایج هم هست چه در درون جنبش چپ و چه در رسانه ها وقتی راجع به ایران صحبت میکنند، که مبارزات کارگران را صنفی میدانند و یا مبارزات دانشجویان را سیاسی میدانند. آیا از بحث شما یکنوع تقسیم بندی به این شکل میشود نتیجه گرفت؟

**حمید تقوایی:** این هم يك نکته دیگری است که از آن سنتها می آید و ما به آن قائل نیستیم و آنرا نقد میکنیم. ببینید وقتی اینها به جنبش کارگری نگاه میکنند میگویند که جنبش کارگری اقتصادی است به این دلیل که کارگر برای مطالبات خودش مبارزه میکند. چیزی طبیعی تر از این نیست که طبقه کارگر مطالبات خودش را در دستور بگذارد، این شرط بقا و زندگی هر روزه اش است. در همه دنیا این را می بینیم. ولی در ایران با این قاطعیت نمیشود گفت این مبارزه ایست صنفی یا صرفا اقتصادی. در شرایط اختناق اینکه يك مبارزه کارگری چه خواستهایی را مطرح میکند و چه میگوید و چه شعارهایی را میدهد و علنا چه مطالباتی را در دستور میگذارد، این قبل از آنکه گرایشات درون طبقه

کارگر و خصلت مبارزات کارگری را نمایندگی کند، توازن قوا بین جنبش و رژیم را نمایندگی میکند. در هر کشور اروپایی و یا در آمریکا، وقتی که می بینید که کارگران برای افزایش دستمزد مبارزه میکنند واقعا خواست آنها محدود به همین است. اتحادیه دارند شروع به مذاکره میکنند، مذاکره به نتیجه نمیرسد اعتصاب میکنند، تظاهرات میکنند و بالاخره به توافق میرسند و بعد میروند سر کارشان. نه دولت را به مصاف میطلبند و نه با دولت طرف میشوند. مبارزه مشخصی میکنند و به نتیجه میرسند و یا نمیرسند. این يك مبارزه صنفی اقتصادی مشخص است. در ایران شما می بینید کارگران برای پرداخت دستمزدهای عقب افتاده بلند میشوند ولی گرایش و خواست و تمایل سیاسی کارگران به این محدود نیست. آنها اول سر همان خواست فرور با دولت روبرو میشوند، فوری با ارگانهای سرکوب دولت روبرو میشوند و سرعت مبارزه شان آنها را رو در روی دولت قرار میدهد و به این اعتبار کاملا سیاسی میشود. و در ثانی در همان اعتصاب یا تحصن اگر شما بروید از کارگران پرسید و به شما اعتماد کنند که شما پلیس نیستید فوری به شما خواهند گفت که کل این نظام را قبول ندارند، از این رژیم متنفرند و حتی به شما خواهند گفت که تا وقتی این رژیم هست ما فرق چندانی در زندگیمان داده نمیشود، این رژیم، رژیمی نیست که به ما افزایش دستمزد بدهد، دستمزدهای عقب افتاده مان را بدهد، یا شرایط رفاهی برایمان بوجود بیورد. اینرا همه میدانند، با این حال چرا دارند مبارزه میکنند، چرا شعارشان این است؟ اول توازن قوا به آنها اجازه نمیدهد که عمیقتر و رادیکالتر از این شعار بدهند و در ثانی خود این مبارزه را مبارزه ای میدانند در جهت تضعیف حکومت بر علیه جمهوری اسلامی. یکنوع در واقع جنگ پارتیزانی را به پیش میبرند، یکنوع جنگ ایذایی با حکومت میکنند، ولی میدانند که با سرمایه دار نیست میدانند که با يك سرمایه دار طرف نیستند با يك ماشین دولتی طرف هستند. اما برای کارگر مفروض اعتصابی مثلا در انگلیس، ایتالیا و فرانسه قضیه این نیست، آنها علیه سرمایه دار و کارفرما بلند میشوند شرایطی را میخواهند یا میگیرند یا نمیگیرند و

بالاخره به کار و زندگیشان ادامه میدهند. در ایران ما با واقعیت دیگری روبرو هستیم. به همین خاطر بنظر من نمیشود حتی به مبارزات کارگری چون خواستههای اقتصادی مطرح میکنند به این راحتی گفت مبارزه صنفی یا اقتصادی. من میتوانم بگویم این مبارزات محتوا و جوهر خودش مبارزه ای سیاسی است در نحوه بیان و ابراز خودش اقتصادی و صنفی است و در این دومی بیش از هر چیز توازن قوا تاثیر دارد.

**سیاوش دانشور:** در مورد همین توازن قوا که صحبتش را میکنید لطفا يك مثال بزنید.

**حمید تقوایی:** من فکر میکنم که میتوانم مبارزات کارگری حول خواستههای امروز به هم پیوسته شود. و نه تنها مبارزات کارگری، بلکه همچنین مبارزات کارگری با بخشهای دیگر جامعه هم میتوانند همبسته شود. کارگران میتوانند به مبارزات و اعتراضات یکدیگر و دیگر مبارزات اعتراضی پیامهای حمایت و همبستگی بدهند، از معلمان که در حال اعتراض هستند حمایت کنند، علنا، با نامه سرگشاده دادن به روزنامه ها و در اینترنت، اعلام کردن در جامعه با اسم و رسم و غیره. کارگران فلان کارخانه و فلان بخش تولیدی، ۲۰۰ یا ۳۰۰ کارگر در يك طومار، از مبارزه برحق معلمان حمایت میکنند و عکس آن. دانشجویان، معلمان از مبارزات کارگری و از مطالباتی که مطرح میکنند اعلام حمایت کنند. ما يك گوشه ای از این را در ۱۶ آذر امسال دیدیم که دانشجویان در کنار شعار آزادی برابری، شعار حمایت از اعتصاب کارگران پتروشیمی را بلند کردند، یا در ۸ مارس امسال در سندان دیدیم که در گردهمایی وسیعی که داشتند در قطعنامه شان از مبارزات کارگران، معلمان و اقدار دیگر جامعه صریحا حمایت شده است. این باید گسترش پیدا کند. این سنت باید جا بیفتد. بنظر من باید مبارزات یکنوع گسترش افقی پیدا کند. یعنی در همین سطح خواستهها با همین عمق از لحاظ مضمونی ولی وسیع و گسترده. اینرا تناسب قوا کاملا اجازه میدهد، کاملا ممکن است و باید فقط این سنت را، این چشم انداز و این افق را داشت تا عملی شود. بنظر من در